

فعل در گویش دشتک فارس

* زهرا درستکار

** بیتا قاسمی

*** عبدالخالق فلاحی

**** پرویز شیبانی

چکیده

دشتک یکی از روستاهای بخش درودزن از شهرستان مرودشت استان فارس است. گویش دشتکی از گویش‌های متعلق به شاخه زبان‌های ایرانی جنوب غربی است. پژوهش حاضر به تحلیل توصیفی از داده‌هایی می‌پردازد که به صورت میدانی جمع‌آوری شده است. در گویش دشتکی، در برخی افعال، شناسه به جای آمدن در آخر فعل، در ابتدای فعل آورده می‌شود. شناسه‌ها در فعل‌های مختلف، تفاوت آوایی دارند. در صرف فعل زمان آینده، برخلاف فارسی معیار که فقط قسمت اول فعل صرف می‌شود، گویشور دشتکی هر دو قسمت فعل آینده را صرف می‌کند.

واژگان کلیدی: منطقه فارس، گویش دشتکی، فعل، شناسه

* کارشناس ارشد زبان شناسی، zahra_dorostkar@yahoo.com

** کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، bitaforbita@yahoo.com

*** دانشجوی دکتری برنامه ریزی درسی دانشگاه شیراز، khalegh_261@yahoo.com

**** کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، هیات علمی دانشگاه فرهنگیان

۱. مقدمه

«زبان نهادی است اجتماعی که برای برقراری ارتباط میان افراد یک جامعه به کار می‌رود. این ابزار ارتباطی در جوامع بشری، ثابت نیست و همیشه به یک شکل باقی نمی‌ماند؛ زیرا به دلیل ماهیت و وابستگی به اجتماع، به تبع و هماهنگ با دگرگونی‌های جامعه تغییر و تحول می‌یابد» (باقری، ۱۳۸۶: ۷۵).

«زبان، به عنوان نظامی از نشانه‌ها و قراردادهای اجتماعی پدیده‌ای یکپارچه و همگون است که میان سخنگویان یک جامعه استوار شده است. نشانه‌های زبانی مفاهیم (ideas) را با صورت‌های آوایی sound-images پیوند می‌دهند و هر دو بخش یاد شده، یعنی مفهوم و صورت آوایی در اصل پدیده‌هایی روانشناختی است» (مشکوة‌الدینی، ۱۳۸۸: ۶۹).

هر چند زبان را به عنوان دستگاهی منسجم می‌شناسیم، ولی زبان‌ها شکل‌های متنوعی به خود می‌گیرند. شکل‌های گوناگون هر زبان شامل: گونه، لهجه و گویش است. «گویش (dialect): دو گونه زبانی که سخنگویان آن دو فهم متقابل دارند، اما در عین حال بین آن دو گونه تفاوت‌های آوایی و واجی و واژگانی و یا دستوری مشاهده می‌شود، گویش‌های یک زبانند» (دبیرمقدم، ۱۳۸۷: ۱۲۰).

«گویش‌شناسی به عنوان شاخه‌ای از زبان‌شناسی عملی، که خود نیز در محدوده دانش نوین زبان‌شناسی قرار می‌گیرد، به بررسی شیوه‌ها و تکنیک‌های علمی پژوهش‌های زبانی می‌پردازد» (سامارین، ۱۳۸۷). در ایران با توجه به تنوع زبانی، گویش‌های بسیاری دیده می‌شود. «در استان فارس علاوه بر زبان فارسی که در شهرهای بزرگ به کار می‌رود، گویش‌های متعددی در روستاها و شهرهای کوچک آن دیار هنوز متداول است. این زبان‌ها به نام روستاها و مراکز رواج خود معروفند؛ مانند: سیوندی، پاپونی، بورینگونی، ماسرمی، لاری و...» (باقری، ۱۳۸۴: ۱۱۰).

گویش دشتکی که مردم روستای دشتک از توابع شهرستان مرودشت به آن صحبت می‌کنند، همانند اکثر گویش‌های استان فارس به شاخه زبان‌های ایرانی جنوب غربی تعلق دارد و با توجه به اینکه از نظر جغرافیایی دور از مرکز بوده، کمتر دچار دگرگونی شده است. در این مقاله، نظری به ساختار فعل در این گویش شده است.

۱.۱. معرفی روستای دشتک

دشتک، نام یکی از روستاهای بخش درودزن از شهرستان مرودشت است. شهرستان مرودشت، در شمال شرقی استان فارس واقع شده است و شامل بخش‌های مرکزی، درودزن، کامفیروز و سیدان است. بخش درودزن به مرکزیت روستای کوشکک در ۳۶ کیلومتری شمال غربی شهرستان مرودشت قرار گرفته و شامل دهستان‌های ابرج/ abarj، رامجرد/ râmjerd و درودزن است. روستای دشتک، در دهستان درودزن واقع شده است و از بزرگ‌ترین روستاهای این بخش به شمار می‌رود. فاصله این روستا تا مرودشت و شیراز به ترتیب ۸۰ و ۱۲۵ کیلومتر است. طبق آمار خانه بهداشت روستا، جمعیت روستا ۲۵۰۶ نفر است.

یکی از آثار جالب توجه روستای دشتک، راه‌پله‌ای سنگی است که قبل از احداث جاده، مورد استفاده مردم بوده و با توجه به استقرار روستا در ارتفاعات کوهستانی، مردم از طریق آن به نقاط پایین دست تردد می‌کردند. این راه‌پله تاریخی «کتل» /kotāl نامیده می‌شود و دارای ۱۲۰۰ پله سنگی است.

گویش مردم این روستا به دشتکی معروف است. در سه روستای دیگر یعنی کندازی، حصار و امامزاده اسماعیل این گویش با کمی تفاوت رواج دارد. مردم روستای دشتک بیشتر به فعالیت‌های باغداری، دامداری، پرورش زنبور عسل و تولیدات صنایع دستی از جمله گلیم‌بافی، قالی‌بافی و گیوه‌بافی مشغولند. در حال حاضر محصولات عمده دشتک گردو، بادام و انگور است.

دین مردم روستا، اسلام و همگی شیعه مذهب هستند. در مورد پیشینه تاریخی این روستا مستندی در دست نیست و تنها از روی شواهدی مانند وجود سنگ‌قبرهای قدیمی، وجود محلی به نام دهگاه /dehgâh (که مردم، آنجا را محل اولیه روستا می‌دانند)، باقی مانده برج‌های نگهبانی قدیمی و... می‌توان این روستا را دارای قدمتی تاریخی دانست. تنها در کتاب فارسنامه ناصری به این روستا اشاره شده است.

علمای بزرگی از این روستا برخاسته‌اند: آقا حسین دشتکی، مجتهد زمان خود که در سال ۱۲۸۳ در شیراز به رحمت ایزدی پیوست. فرزند ایشان، میرزاعلی دشتکی و نیز برادرزادگان آقا حسین مجتهد یعنی آقا عبدالله و آقا علی دشتکی از دیگر علمای این روستا می‌باشند. از اعیان دشتک، سلسله سادات حسینی مانند: سید محمدعلی قاضی و سید مصطفی و سید احمد دشتکی را می‌توان نام برد (رک. حسینی فسایی، ۱۳۸۲: ۱۲۴۴).

۲. پیشینه پژوهش

فلاحی (۱۳۸۷) در مقاله خود با عنوان «بررسی آواشناختی و واج‌شناختی گویش دشتکی»، نشان می‌دهد که در این گویش برخلاف فارسی معیار، در پاره‌ای موارد کشش واکه‌ای باعث تمایز معنی می‌شود. همچنین گویش مورد نظر دارای هفت واکه ساده و سه واکه مرکب است که همگی دارای ارزش واجی هستند.

جانی (۱۳۹۲) در مقاله «توصیف زبان‌شناختی گروه اسمی در گویش لُری کامفیروز»، عنوان می‌کند در این گویش برای معرفی اسم از پسوندهای /aku- و /ku- استفاده می‌شود، همچنین به جای ضمیر سوم شخص مفرد (او) /vo/ می‌آید.

۳. روش پژوهش

روش مورد استفاده در این پژوهش تلفیقی از روش‌های میدانی و توصیفی است. در انجام این تحقیق نگارنده با چندین تن از گویشوران روستای دشتک دیدار کرده و به ثبت سخنان آنان به‌ویژه در مقوله صرف فعل این گویش پرداخته‌است. در انتخاب گویشوران نیز از معیارهای سامارین (۱۳۸۷) استفاده و سعی بر آن شد که از گویشورانی استفاده شود که مسن با دندان‌های پیشین سالم باشند؛ چرا که آن‌ها باید نماینده واقعی جامعه زبانی خود بوده و از تجربه کافی برخوردار باشند، کمتر در معرض ارتباطات زبانی قرار گرفته و حتی الامکان بی‌سواد باشند.

۴. تجزیه و تحلیل یافته‌ها

۱.۴. فعل

فعل (verb): یکی از طبقات واژگانی اصلی است. این طبقه واژگانی وقوع عملی و یا بیان حالتی را نشان می‌دهد و به لحاظ شخص و شمار با فاعل جمله مطابقت دارد (گلفام، ۱۳۸۵: ۱۵۹).

۲.۴. زمان فعل و صورت‌های صرفی آن در گویش دشتک

در گویش دشتک همانند فارسی معیار فعل دارای زمان‌های گذشته، حال و آینده است که صورت‌های صرفی هر یک مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. بن فعل: الف. بن ماضی، ب. بن مضارع؛

۲. صفت مفعولی؛

۲۹ فعل در گویش دشتک فارس

۳. پیشوندهای فعلی: الف. پیشوند وجه، ب. پیشوند نفی؛

۴. شناسه‌ها: الف. شناسه‌هایی که در آغاز فعل قرار می‌گیرند: (em / ed / eš - mu / tu /

šu)، ب. شناسه‌هایی که در پایان فعل می‌آیند.

زمان گذشته: در زیر به اقسام این زمان اشاره می‌شود.

الف. ماضی ساده: صورت تجزیه این فعل به دو شیوه است: [شناسه + ستاک گذشته] یا

[ستاک گذشته + شناسه]

نمونه‌هایی از فعل ماضی ساده که شناسه در ابتدا قرار می‌گیرد:

مثال از مصدر گفتن:

?emgoft	گفتم	اول شخص مفرد
?edgoft	گفتی	دوم شخص مفرد
?ešgoft	گفت	سوم شخص مفرد
mugoft	گفتیم	اول شخص جمع
tugoft	گفتید	دوم شخص جمع
šugoft	گفتند	سوم شخص جمع

از مصدر خواندن:

?emxund	خواندم	اول شخص مفرد
?edxund	خواندی	دوم شخص مفرد
?ešxund	خواند	سوم شخص مفرد
muxund	خواندیم	اول شخص جمع
toxund	خواندید	دوم شخص جمع
šuxund	خواندند	سوم شخص جمع

در فعل ماضی ساده نمونه‌هایی نیز دیده می‌شود که مانند فارسی معیار، شناسه بعد از ستاک

گذشته قرار می‌گیرد، شناسه دوم شخص به دو صورت (did ، dit) دیده می‌شود:

از مصدر رفتن:

?eštem	رفتم	اول شخص مفرد
?ešte	رفتی	دوم شخص مفرد
?ešta	رفت	سوم شخص مفرد
?eštom	رفتیم	اول شخص جمع
?eštid/eštit	رفتید	دوم شخص جمع
?ešten	رفتند	سوم شخص جمع

از مصدر آمدن: (?andan)

?andem	آمدم	اول شخص مفرد
?ande	آمدی	دوم شخص مفرد
?ame	آمد	سوم شخص مفرد
?andom	آمدیم	اول شخص جمع
?andit	آمدید	دوم شخص جمع
?anden	آمدند	سوم شخص جمع

ب. ماضی استمراری: صورت تجزیه این فعل به این قرار است: [شناسه + می + ستاک

گذشته]

از مصدر گفتن:

?emmigoft	می گفتم	اول شخص مفرد
?edmigoft	می گفتی	دوم شخص مفرد
?ešmigoft	می گفت	سوم شخص مفرد
mumigoft	می گفتیم	اول شخص جمع

فعل در گویش دشتک فارس ۳۱

tomigoft	می گفتید	دوم شخص جمع
šumigoft	می گفتند	سوم شخص جمع

از مصدر دیدن: (didan) صرف فعل به این صورت است:
(شناسه + می + ریشه فعل)

?emmidi	می دیدم	اول شخص مفرد
tomidi	می دیدی	دوم شخص مفرد
?ešmidi	می دید	سوم شخص مفرد
mumidi	می دیدیم	اول شخص جمع
tumidi	می دیدید	دوم شخص جمع
šumidi	می دیدند	سوم شخص جمع

در بعضی فعل‌های استمراری پیشوند (می) در ابتدای فعل می‌آید مانند: مصدر رفتن، ولی در

همین فعل سوم شخص مفرد، شناسه در ابتدای فعل آمده است: (?eš-mi-raf)

mištem	می رفتم	اول شخص مفرد
mište	می رفتی	دوم شخص مفرد
?ešmiraf	می رفت	سوم شخص مفرد
mištum	می رفتیم	اول شخص جمع
mištejn	می رفتید	دوم شخص جمع
mišten	می رفتند	سوم شخص جمع

پ) ماضی نقلی: صورت تجزیه این فعل بدین گونه است: [شناسه + صفت مفعولی] مانند

نمونه زیر:

از مصدر گشتن:

em gašta	گشته‌ام	اول شخص مفرد
----------	---------	--------------

ed gašta	گشته‌ای	دوم‌شخص مفرد
eš gašta	گشته است	سوم‌شخص مفرد
mu gašta	گشته‌ایم	اول‌شخص جمع
to gašta	گشته‌اید	دوم‌شخص جمع
šu gašta	گشته‌اند	سوم‌شخص جمع

در نمونه زیر صورت تجزیه فعل مانند فارسی معیار است: [صفت مفعولی + شناسه] از مصدر رفتن: در نمونه زیر دوم‌شخص جمع و سوم‌شخص جمع یکسان تلفظ می‌شود.

?eštaim	رفته‌ام	اول‌شخص مفرد
?eštay	رفته‌ای	دوم‌شخص مفرد
?ešta	رفته است	سوم‌شخص مفرد
?ešt	رفته‌ایم	اول‌شخص جمع
?eštait	رفته‌اید	دوم‌شخص جمع
?eštait	رفته‌اند	سوم‌شخص جمع

ت) ماضی بعید: صورت تجزیه این فعل همانند فارسی معیار است: [صفت مفعولی + ماضی ساده] البته فعل خوابیدن در این گویش از مصدر خفتن یعنی شکل قدیم این فعل استفاده می‌شود:

moftē bodam	خوابیده بودم	اول‌شخص مفرد
xofter bode	خوابیده بودی	دوم‌شخص مفرد
xofter bi	خوابیده بود	سوم‌شخص مفرد
xofter bodum	خوابیده بودیم	اول‌شخص جمع
xofter bodid	خوابیده بودید	دوم‌شخص جمع

xofte bodit		
xofte boden	خواییده بودند	سوم شخص جمع

از مصدر رفتن:

?ešte bodom	رفته بودم	اول شخص مفرد
?ešte bode	رفته بودی	دوم شخص مفرد
?ešte bi	رفته بود	سوم شخص مفرد
?ešte bodum	رفته بودیم	اول شخص جمع
?ešte bodid	رفته بودید	دوم شخص جمع
?ešte boden	رفته بودند	سوم شخص جمع

(ث) ماضی التزامی: صورت تجزیه این فعل [صفت مفعولی فعل اصلی + فعل کمکی] رفته +

باشم، باشی، باشد.

از مصدر رفتن:

?ešte bemak	رفته باشم	اول شخص مفرد
?ešte bonak	رفته باشی	دوم شخص مفرد
?ešte but	رفته باشد	سوم شخص مفرد
?ešte bumak	رفته باشیم	اول شخص جمع
?ešte beytak	رفته باشید	دوم شخص جمع
?ešta benak	رفته باشند	سوم شخص جمع

از مصدر خریدن:

?emxardabu	خریده باشم	اول شخص مفرد
?edxarabu	خریده باشی	دوم شخص مفرد
ešxardabu	خریده باشد	سوم شخص مفرد

muxardabu	خریده باشیم	اول شخص جمع
toxardabu	خریده باشید	دوم شخص جمع
šuxardabu	خریده باشند	سوم شخص جمع

ج. ماضی مستمر: صورت تجزیه این فعل بدین قرار است: [شناسه bi + فعل کمکی + ماضی

استمراری فعل اصلی]

از مصدر گفتن:

?embi emmigoft	داشتم می گفتم	اول شخص مفرد
?edbi edmigoft	داشتی می گفتی	دوم شخص مفرد
?ešbi ešmigoft	داشت می گفت	سوم شخص مفرد
mubi mumigoft	داشتیم می گفتیم	اول شخص جمع
tobi tomigoft	داشتید می گفتید	دوم شخص جمع
šubi šumigoft	داشتند می گفتند	سوم شخص جمع

از مصدر بردن:

?embi emmibo	داشتم می بردم	اول شخص مفرد
?edbi edmibo	داشتی می بردی	دوم شخص مفرد
?ešbi ešmibo	داشت می برد	سوم شخص مفرد
mubi mumibo	داشتیم می بردیم	اول شخص جمع
tobi tomibo	داشتید می بردید	دوم شخص جمع
šubi šumibo	داشتند می بردند	سوم شخص جمع

زمان حال (فعل مضارع): زمان حال در این گویش دارای اقسامی است که در زیر به آن‌ها

اشاره می‌شود:

۳۵ فعل درگوش دشتک فارس

الف. مضارع ساده: صورت تجزیه این فعل این گونه است: [ستاک حال + شناسه]

از مصدر آمدن:

miyem	آیم	اول شخص مفرد
miye	آیی	دوم شخص مفرد
miyat	آید	سوم شخص مفرد
meyum	آییم	اول شخص جمع
meyat	آیید	دوم شخص جمع
meyen	آیند	سوم شخص جمع

ب. مضارع اخباری: صورت تجزیه این فعل: [پیشوند (می) + مضارع ساده]

از مصدر شدن:

?mbem	می شوم	اول شخص مفرد
?ambe	می شوی	دوم شخص مفرد
?mbut	می شود	سوم شخص مفرد
?mbum	می شویم	اول شخص جمع
?mbit	می شوید	دوم شخص جمع
?mben	می شوند	سوم شخص جمع

پ. مضارع التزامی: صورت تجزیه این فعل: [ب + ستاک حال + شناسه]

از مصدر دویدن: در سوم شخص مفرد و اول شخص جمع، تفاوت آوایی در ستاک حال دیده

می شود، به جای (do)، (du) تلفظ می شود.

bedo?em	بدوم	اول شخص مفرد
bedo?e	بدوی	دوم شخص مفرد
bedut	بدود	سوم شخص مفرد

bedum	بدویم	اول شخص جمع
bedo?eyt	بدوید	دوم شخص جمع
bedo?en	بدوند	سوم شخص جمع

ت. مضارع مستمر: صورت تجزیه فعل به این شکل: [دارم، داری، دارد... + مضارع

[اخباری]

از مصدر خواندن:

darem mixunem	دارم می خوانم	اول شخص مفرد
dare mixune	داری می خوانی	دوم شخص مفرد
dared mixund	دارد می خواند	سوم شخص مفرد
dardom mixunum	داریم می خوانیم	اول شخص جمع
darit mixonit	دارید می خوانید	دوم شخص جمع
daren mixonen	دارند می خوانند	سوم شخص جمع

زمان آینده: در این گویش صرف فعل آینده با فارسی معیار تفاوت دارد، بدین گونه که هر دو

قسمت فعل صرف می شود:

صورت تجزیه این فعل بدین قرار است: [شناسه + فعل کمکی miya ... + ماضی ساده فعل

[اصلی]

از مصدر رفتن:

?em miya bešem	خواهم رفت	اول شخص مفرد
?ed miya beše	خواهی رفت	دوم شخص مفرد
?eš miya bešut	خواهد رفت	سوم شخص مفرد
mu miya bešum	خواهیم رفت	اول شخص جمع
to miya bešet	خواهید رفت	دوم شخص جمع

š u miya bešen	خواهند رفت	سوم شخص جمع
----------------	------------	-------------

از مصدر کاشتن: (در این گویش از شکل قدیمی فعل استفاده می‌شود؛ یعنی به جای کاشتن، کالیدن به کار می‌رود.)

?em miya boklem	خواهم کاشت	اول شخص مفرد
?ed miya bokle	خواهی کاشت	دوم شخص مفرد
?eš miya bokled	خواهد کاشت	سوم شخص مفرد
mu miya boklum	خواهیم کاشت	اول شخص جمع
to miya boklid	خواهید کاشت	دوم شخص جمع
š u miya boklen	خواهند کاشت	سوم شخص جمع

فعل امر: صورت تجزیه این فعل همانند فارسی معیار است: [ب امر + بن مضارع].

از مصدر بردن:

bešo	برو	دوم شخص مفرد
bešid	بروید	دوم شخص جمع

۵. نتیجه‌گیری

فعل در گویش دشتکی، تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای با فارسی معیار دارد؛ از جمله: در برخی افعال جای شناسه تغییر می‌یابد و به جای آمدن در آخر فعل، در ابتدای فعل آورده می‌شود. شناسه‌ها نیز در فعل‌های مختلف، تفاوت آوایی دارند. شناسهٔ دوم شخص جمع به دو صورت did و dit تلفظ می‌شود. در برخی افعال مانند: فعل خوابیدن و کاشتن از شکل کهن‌تر آن‌ها، به ترتیب (خفتن) و (کالیدن) استفاده می‌گردد.

نکتهٔ جالب در فعل زمان آینده است. برخلاف فارسی معیار که فقط قسمت اول فعل صرف می‌شود، گویشور دشتکی هر دو قسمت فعل آینده را صرف می‌کند. در این مقاله فقط به تعداد محدودی از فعل‌هایی که در زندگی روزمره کاربرد بیشتری دارند پرداخته شد. توصیف کامل ساختار فعل در این گویش با توجه به تنوع زیاد آن نیاز به بررسی کامل‌تری دارد.

کتاب‌نامه

۱. باقری، مه‌ری، (۱۳۸۴)، *تاریخ زبان فارسی*، چ ۱۰، تهران: قطره.
۲. _____، (۱۳۸۶)، *مقدمات زبان‌شناسی*، چ ۱۰، تهران: قطره.
۳. جانی، ابراهیم، (۱۳۹۲)، «توصیف زبان‌شناختی گروه اسمی در گویش لُری کامفیروز»، شیراز، دومین همایش ملی آموزش زبان فارسی و زبان‌شناسی.
۴. حسینی فسایی، میرزاحسن، (۱۳۸۲)، *فارسنامه ناصری*، ج ۲، چ ۳، به تصحیح و تحشیه منصور رستگار فسایی، تهران: امیرکبیر.
۵. دبیرمقدم، محمد، (۱۳۸۷)، «زبان، گونه، گویش، لهجه: کاربردهای بومی و جهانی»، *مجله ادب‌پژوهی*، ش ۵، تابستان و پاییز، ص ۹۱ تا ۱۲۸.
۶. سامارین، ویلیام، (۱۳۸۷)، *زبان‌شناسی عملی [راهنمای بررسی گویش‌ها]*، چ ۲، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۷. فلاحی، محمدهادی، (۱۳۸۷)، «بررسی آواشناختی واج‌شناختی گویش دشتکی»، *نشریه مطالعات ایرانی*، س ۷، ش ۱۳، بهار ۱۳۸۷، ص ۱۵۹ تا ۱۸۰.
۸. گلفام، ارسلان، (۱۳۸۵)، *اصول دستورزبان*، تهران: سمت.
۹. گودرزی، سمیه، نسترن توکلی، (۱۳۹۲)، «بررسی افعال درگویش لُری دشمن‌زیاری (شهرستان ممسنی)»، شیراز، دومین همایش ملی آموزش زبان فارسی و زبان‌شناسی.
۱۰. مشکوة‌الدینی، مهدی، (۱۳۸۸)، *سیر زبان‌شناسی*، چ ۵، مشهد: دانشگاه فردوسی

مشهد.